در همین صفحه می‌خوانید

تالبِ کور

ما آدم‌ها موجودات بسیار عجیبی هستیم. باوجودی که هرروز شاهد مرگ صدها نفریم، حتی کسانی که با ما قد کشیدند وبزرگ شدند، بازهم‌فاصله خودمان بامرگ را چنان زیاد می‌دانیم که حاضر نیستیم کمی درباره آن صحبت کنیم، هرچند همه‌ما یادمان داریم که مرگ حق است؛ ولی برای همسایه...

در شماره بعد بخوانید

به جنگ باموهایتان نروید

ابتدایی‌ترین و در عین حال ساده‌ترین نوع مراقبت پهداشتی از موی سر را باید شانه‌زدن آن دانست که برای خیلی‌ها، عادتی است که فقط جنبه زیباشدن دارد. در حالی که در همین عمل به‌ظاهر ساده هم، فواید و حکمت‌های بی‌شماری برای سلامتی شمانهفته است که بیشترمااز آن بی‌خبریم!...

سوال، جواب

محبوبه اسری مقدم

استفتا از چندتن از مراجع عظام تقلید

اظهارنظر فقط با تخصص

برخی دربـاره مسائل زنـان، اظهـارنظرهـای نامناسبـی را ابـراز مـی کـنند. مـانند بحث دوچرخه سواری یا ورزش بانوان یا مثلا درباره حجاب. این افراد اظهار می‌دارند که به نظرشان کت و دامن برای حجاب زنان کفایت می کند وپوشش بدنشان کافی است. نظر حضرت عالی دراین زمینه‌ها چیست؟

آیت...خامنه‌ای:

ترویج اموری که مبادا نشر فساد در جامعه یا بی عفتی زنان و دختران شود، جایز نیست و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی کند.

آیت...صافی گلپایگانی:

امور ذکرشده معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید به‌طورجدّ از آن بپرهیزند.

آیت...بهجت (ره):

هر چه باعث فتنه و فساد باشد، اشکال دارد.

آیت...مکارم‌شیرازی:

هر چه موجب اشاعه مفاسد اخلاقی شود، حرام است.

مرگ اتفاقی است که هیچ‌کس در حیاتش آن را تجربه نمی‌کند

بلند بگو لااله‌الا...

لحظات مرگ برای هر انسانی سخت و ناگوار است؛ چراکه ازیک‌سو مسئله فراق و جدایی از دنیا و دوستان و آنچه روح انسان سال‌ها با آن خو گرفته است، پیش می‌آید و ازسوی دیگر، او خود دارد در چنگال حوادث بعد از مرگ می‌نگرد؛ حوادثی که با ماحکمه ومجازات و کشف باطن وتنها یی همراه است.

جان دادن با حالت احتضار که در زبان قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع)، «سَکَرات و غَمَرات» نامیده شده است، یکی از سخت‌ترین لحظه‌های حیات انسان است. امام‌سجاد(ع) می‌فرمایند: «سخت‌ترین اوقات و ساعات انسان سه وقت است: وقتی که انسان ملک‌الموت رامی‌بیند(سکرات موت)، هنگامی که از قبر(برای رفتن به‌محشر)برمی‌خیزد وساعتی که در پیشگاه عدل الهی می‌ایستد».

مسئله جدایی روح از بدن هرگز قابل قیاس با جدایی و مفارقت دو شی، «مادی» نیست. روح آدمی اصلا از سنخ ماده نیست که بتوان تصور جدایی با ترکیب و تجزیه از آن را داشت. جدایی روح از بدن همان قطع تعلقش از جسم است که نمونه‌ای از جدایی مادر از فرزند، یا دل کندن یک مال‌پرست از یک مال است.

لحظه جداشدن روح از جسم

از مجموع آیات شریفه، چنین برمی‌آید که انسان در لحظه مرگ بلافاصله چشم دلش گشوده می شود و درست مانند حالت رویا به‌وسیله قوه نیرومند خیال صورت‌هایی را مشاهده می کند. این صورت‌ها بعضی از ملائک موت هستند، برخی شیاطین و جنود ابلیس، برخی صورت مثالی امته معصومین(ع) و رسول اکرم(ص) و برخی دیگر صور ملکوتی متعلقات دنیوی ازقبیل همسر وفرزندان و اموال و....

نکته بسیار مهمی که باید خاطرنشان کرد این است که سکرات و سختی‌های ناشی از آن شامل تمام انسان‌ها نمی‌شود؛ زیرا روح هرچه پاکیزه‌تر و تعلقات آن به دنیا کمتر باشد، جان‌سپردن هم‌به‌همان نسبت آسان‌تر خواهد بود. در روایت داریم که مرگ یک مومن مانند بوکردن گلی خوشبو است؛ بنابراین اگر از سکرات بحث می‌شود، از نوعی عذاب سخن می‌رود که در اولین مرحله ورود انسان به عالم پس از مرگ می‌دهد.

این عذاب برای کافر ومشرک ومنافق مقدمه عذابی است که دنباله‌آن عذاب‌های برزخی و قیامت خواهد بود. این عذاب برای مومن کفاره گناهان خواهد شد که مومن پس از طی این مرحله پاک و پاکیزه وارد بهشت برزخی وسپس در قیامت وارد بهشت جاویدان می‌شود؛ چراکه لغزش‌زا در گودال قبر می‌نشانند.» امام‌صادق(ع) نیز در این زمینه می‌فرمایند: «هنگامی‌که جنازه انسان را دفن می کنند، دو فرشته به‌نام‌های نکیر ومنکر نزد او می‌آیند که صدای‌شان مانند رعد غرنده و چشم‌هایشان مانند برق خیره کننده است که زمین را بانیش‌های خود می‌شکافند و پاهای خود را همراه با موهای خود به‌شدت برزمین می کوبند و به‌سوی مرده می‌آیند».

البته چگونگی برخورد آن‌ها با میّت، براساس میزان ایمان و انحراف او متفاوت خواهد بود و آن‌ها متناسب با وضعیت ایمان و عقیده میت با او رفتار خواهند کرد. پرسش در قبر برای کافران و فاسقان توسط نکیر ومنکر با حالت ترسناک و برای مؤمن توسط مبشّر و بشیر با حالت فرحناک انجام می شود. مطابق روایات فراوان، این دو فرشته هنگامی که به‌سراغ مرده می‌آیند، با طرح سوالاتی او را مورد بازجویی قرار داده و از این طریق است که نخستین دادگاه الهی پس از مرگ انسان، آغاز می‌شود.

به‌طورکل، روایات موجود در این موضوع، حکایت از این دارد که از مواردی که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود، سوال می‌کنند:

خدایت چیست؟ پیامبرت کیست؟ رهبر و امامت کدام است؟ دینت چیست؟ عمرت را در چه راهی صرف کرده‌ای؟ اموالت را از چه راهی به‌دست آورده‌ای و در چه راهی به مصرف رسانده‌ای؟ قبلهات کجاست؟ کتاب آسمانی‌ات چه نام دارد؟ و نیز سوالاتی درباره نماز، زکات، روزه و حج.

مطابق آنچه بیان شد، انسان پس از مرگ با حوادث هولناک و صحنه‌های غم‌انگیزی مواجه خواهد بود؛ حوادثی که هریک به‌تنهایی می‌تواند برای آرامش روحی آدمی را برهم زند، اما در این میان باید این مژده را به شیعیان واقعی داد که آن‌ها را این‌باره ترسی به‌دل راه ندهند و با خاطری آسوده و خیالی راحت به حیات خویش ادامه دهند؛ چراکه خالق هستی به پاس ولایت‌پذیری و پیروی واقعی از اهل‌بیت(ع) حساب آن‌ها را از سایرین جدا کرده و با آغوشی گرم و محبت‌آمیز از آن‌ها استقبال خواهد کرد.

پیامبراکرم(ص) می‌فرمایند: «اگر مردی خدا را ملاقات کند در حالی که عمل هفتاد پیغمبر را انجام داده اما ولایت اولی الامر ما را اهل بیت را نداشته باشد، خدا از او هیچ چیزی را قبول نخواهد کرد»؛ البته شرط این دوستی عمل به دستورات آن بزرگواران است وگرنه محبت بدون عمل راه به جایی نخواهد برد.

سکرات وسختی‌های مرگ

دانشمندان طبق آزمایشاتی که روی مغز انسان به‌هنگام فشارهای عصبی انجام داده‌اند، به‌این نتیجه رسیده‌اند که فشارهای موقع مرگ بر مختصر به قدری سنگین و طاقت فرساست که نمی‌توان آن را با شدیدترین فشارهای خشم، ترس، درد و دیگر هیجان‌های دوران زندگی مقایسه کرد. امام‌علی(ع) درباره شدائد مرگ می‌فرماید: «اگر آنچه را که مردگان شما به چشم دیدند، ببینید البته ناله‌وگفتن شیون و فریاد و فغان سردهید، به‌زده‌وی پرده‌ها کنار رود و آنچه گذشتگان دیده‌اند، می‌بینید... بدانید مرگ سختی‌هایی دارد که دشوارتر از آن است که به وصف آید یا عقل‌های مردم جهان بتوانند آن را درک کنند».

تلاش شیطان در هنگام احتضار

از جمله کارهایی که شیطان، این دشمن دیرینه انسان سعی و تلاش بسیاری را صرف آن می کند، این است که در وقت احتضار، انسان را وادار به کفر کند و در دینش تشکیک بیندازد. امام‌صادق(ع) می‌فرمایند: «هیچ‌کس نیست که مرگش فرارسد جز اینکه ابلیس دسته‌ای از شیطان‌ها را بر او می‌گمارد، تا آنگاه که روح از بدنش بیرون می‌رود، او را به کفر وادارند و در دین او تشکیک کنند. اگر محتضر مومن باشد، آن‌ها بر این کار قدرت نخواهند یافت؛ پس هرگاه نزد مرده‌هایتان حاضر شدید، «اشهد ان لا اله الا...» و اشهد ان محمدا رسول الله...» را تا آنگاه که می‌میرند به‌آن‌ها تلقین کنید».

ایشان در روایت دیگری، فرموده‌اند: «ملک‌الموت مردم را در پنج وقت نماز سرکشی می کند؛ پس آن‌هایی که نماز پنج‌گانه را اول‌وقت خوانده‌اند و مواظبت کرده‌اند، خود ملک‌الموت به‌هنگام مرگ کلمه شهادتین را به آن شخص محتضر تلقین کرده و شیطان را از او دور می‌کند».

برسش و پاسخ‌های عالم قبر

درموضوع مرگ‌وخردادهای مرتبط‌با آن، آنچه‌بر سختی و رنج فراوان این پدیده انکارناپذیر می افزاید، پرسش و پاسخ‌هایی است که انسان در عالم قبر با آن‌ها مواجه می‌شود. امیرالمومنین علی(ع) در خطبه هشتادوسوم نهج‌البلاغه به این مهم پرداخته‌اند و می‌فرمایند: «هنگامی که تشییع کنندگان برونود و مصیبت زدگان بازگردند، او را برای پرسش‌های حیرت‌آور و امتحان بهشت، دارالسلام است ومیزبانش خداوند.

صرف‌گیاهی و بی خطر بودن از هر دم‌نوشی استفاده نکنید

راز دم‌نوش‌های لاغری

محصولات لاغری این روزها این قدر تنوع دارند که مخاطبان سرگردان خود را مدام از این‌سو به آن‌سو می کنند. یکی از این محصولات، دم‌نوش‌هاست. تبلیغاتی که برای چای‌های رژیمی و دمنوش‌ها می‌شود، تنها‌صف مخاطبان را هدف قرار داده و آن هم ساده و سریع‌بودن تاثیر، بدون هیچ دردسری است. ادعای چای‌ها و دم‌نوش‌های رژیمی این است که می‌توانند به تمیز کردن، سم‌زدایی و به طورکلی کاهش وزن بدن کمک می کنند! اما مدارکی که نشان دهد آن‌ها حداقل یکی از این کارها را انجام دهند، در بهترین حالت، ناقص است.

چای‌ها و دم‌نوش‌های رژیمی برپایه گیاه دارویی سنا که سازمان غذا و داروآمریکا (FDA) آن را برای درمان یبوست‌های گاه‌به‌گاه مورد تایید قرار داده، تولید می‌شوند. سنا حاوی مواد شیمیایی است که روده بزرگ را تحریک می کند و تاثیر ملین را دارد. در یکی از شکایات مطرح‌شده از چای‌های رژیمی چنین آمده است: «چون محصولات رژیمی سنا هیچ ماده کاهش‌دهنده وزن یا چربی‌سوزی نیستند، روشی تاثیرگذار برای کاهش وزن یا کاهش اشتها به حساب نمی‌آیند. به‌علاوه، سنا باعث نمی‌شود جذب کالری از غذا کاهش پیدا کند؛ چون باعث تحریک روده بزرگ می‌شود نه روده کوچک. براین اساس، سنا فقط باعث ازدست‌دادن مدفوع و آب از روده‌های پایینی شده و درنتیجه فقط موجب کم‌آب‌شدن بدن، ازدست‌دادن الکترولیت‌های حیاتی و گاهی گرفتگی‌های دردآور می‌شود.» این دارو برای کسانی که اختلالات الکترولیتی، کمبود پتاسیم، بیماری قلبی، کمبود آب بدن یا مشکلات دستگاه گوارشی دارند یا افرادی که داروهایی خاص دریافت می‌کنند، منع شده است. استفاده طولانی‌مدت سنا به‌سمت بافت‌خیز شدن روده‌ها به‌صورت طبیعی کارکنند و همچنین ممکن است فرد به مسهل‌ها وابستگی پیدا کند.

برای آرامش درونی خود، واژه‌های روزانه را با دقت انتخاب کنید

کلمات استرس‌آور

محققان براین باورند که لغاتی که افراد انتخاب استفاده از کلمات منفی، واکنش ترس را در ما فعال می‌کند که درنتیجه میزان هورمون استرس هم بالا می‌رود. هرچقدر منفی‌بافی در یک فرد بیشتر باشد، چه بخواهد و چه نخواهد، هورمون‌های استرس بیشتری را در بدن خود فعال و روان می کند.

تغییر ناخودآگاه به خود دیگران: یک تصویر منفی نسبت به خودمان که از دل یک زبان منفی بیرون می‌آید، تمام وجود ما را با شک و تردید انباشته خواهد کرد و سبب می‌شود در رفتارمان با دیگران هم همین نگاه را داشته باشیم و درنتیجه رفتار اجتماعی‌مان تحت‌تاثیر چنین واقعه‌ای قرار می‌گیرد.

ارزیابی مثبت استفاده نشده: اگر در حال حاضر درباره میزان استفاده از لغات مثبت خود نسبت به منفی‌ها آگاهی کامل ندارید، درصورتی که برایتان امکان دارد، آن‌ها را یادداشت کنید. همچنین خودتان را در قاب‌های مثبت ذهنی قرار بدهید.

می توانید هر روز سه اتفاق که شما را خوش حال می‌کنند، یادداشت کنید و این رویه را ادامه بدهید تا ببینید چطور احوالاتتان به‌سمت بهتری هدایت می‌شود. درواقع شما خوش‌حالی را برای خودتان شرطی‌ودرونی خواهید کرد.

کلمات منفی، هورمون استرس را افزایش می‌دهند:

روایتی کوتاه از لحظات پس از مرگ از زبان مردی که جان سالم به در برد

مرده بودم، زنده شدم

در طول تاریخ، افراد زیادی بوده‌اند که ادعا می‌کرده‌اند بعد از مرگ، دوباره به دنیا برگشته‌اند و حوادثی را دیده‌اند که دیگران ندیده‌اند. در سال ۱۲۲۲ ه.ق هنگام خروج سپاه از خراسان، سربازی به‌نام محمد شمعی، سرباز قراول‌خانه‌ای بود که در شب‌های بسیار تاریک و برفی، چشمانی بسیار درخشان و نورانی را در فاصله‌ای نزدیک به‌مجموعه برج‌های خراسان می‌دید. وی پس از اطلاع به‌سایر همکاران خود، به‌سراغ این موضوع رفت و متوجه شد که چشم‌ها متعلق به‌یک اسب‌سوار است که در حال عبور از دامنه‌ای است و روایت خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«در آن شب سرد و برفی، من و سایر همکارانم در قراول‌خانه مشغول گرم کردن خود با آتش بودیم که ناگهان چشمانی را دیدم که نشسته بود و آن را به‌سمت من گرفت. فرد نزدیک‌تر شد و من گفت که مردان هم‌به‌اندازه زنان، باید در اندیشه‌ی آرایش خود باشند و این‌گونه به‌من پیشنهاد کرد که ریش‌هایم را بتراشم. بعد فهمیدم که فقط او می‌تواند مدای را بشنود و با آن فرد حرفی بزند. من با این‌که از این پیشنهاد خوشم نیامد، اما برای این‌که با او درگیر نشوم، ریش‌هایم را تراشیدم و او گفت که دیگر نیازی به‌کشیدن سیگار ندارم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر سیگار نکشم و من هم پذیرفتم. سپس از من خواست که دیگر مشروب نخورم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر با زنان بدکاره رابطه نداشته باشم و من هم پذیرفتم. سپس از من خواست که دیگر قمار نکنم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر دروغ نگویم و من هم پذیرفتم. سپس از من خواست که دیگر به‌کسی بدی نکنم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر به‌کسی ظلم نکنم و من هم پذیرفتم. سپس از من خواست که دیگر به‌کسی حسادت نکنم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر به‌کسی تهمت نزنم و من هم پذیرفتم. سپس از من خواست که دیگر به‌کسی غیبت نکنم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر به‌کسی فحش ندهم و من هم پذیرفتم. سپس از من خواست که دیگر به‌کسی دروغ نگویم و من هم پذیرفتم. بعد از آن، او از من خواست که دیگر به‌کسی بدی